

یک موضوع اصلی در کتاب مقدس موضوع "فرار کردن و تبعید" است. حتی می توان گفت که کل کتاب مقدس توسط پناهندگان برای پناهندگان نوشته شده است. مسئله فرار و پناهندگی هنوز هم یکی از مهمترین موضوعات جامعه ما در دوران معاصر ماست. مسئله فرار کردن در کتاب مقدس نیز به دلیل دیگر مهم است. در کتاب مقدس مشخص شده است که ما انسانها همه پناهنده هستیم و خانه دائمی در دنیا نداریم. اما آیا جایی نیز وجود دارد که ما انسانها بتوانیم به آن پناه پیدا کنیم؟ آیا جایی وجود دارد که ما انسانها بتوانیم در این و آن جهان محافظت پیدا کنیم؟ **اول از همه ، بیایید یک فیلم کوچک در مورد موضوع تبعید ببینیم:**

فیلم به زبان آلمانی زیر پیدا می شود. ترجمه آن به فارسی زیر است.
[/https://bibleproject.visionmedia.org/videos/exil](https://bibleproject.visionmedia.org/videos/exil)

فیلم

در خانه بودن عالی است! همه چیز در خانه درست و مناسب است. ما در میان مردم احاطه کرده ایم که آنها را دوست داریم و به آنها اعتماد داریم. احساس ثبات و امنیت در خانه وجود دارد.

و در حالی که برخی مجاز به تجربه این نوع خانه ها هستند ، بسیاری از دیگران خانه از دست دادند.

حتی ممکن باشد مجبور شوند خانه خود را ترک کنند و به یک کشور خارجی بروند

کسی که مجبور است به کشور خارجی برود "تبعید" شده است. بله ، همه چیز در آنجا گمراه شده است.

شما در یک محیط ناآشنا هستید و باید زبان خارجی یاد بگیرید و دیگه. تاریخ کل کتاب مقدس در مورد آن تبعید است. اسرائیلیان از طریق کشور بابل غلبه شده بودند. و آنها بایستی به بابل بروند.

آنها از وطن خود دور بودند. و بنابراین آنها مجبور بودند بپرسند ، "حال ما چطور باید در اینجا زندگی بکنیم. آیا زندگی در اینجا تمام شد؟" و "آیا امیدی به بازگشت کشور خود مان ممکن باشد یا نه؟"

و کل داستان کتاب مقدس به آن سوال می پردازد. کل داستان؟ واقعاً؟

بله ، به صفحه اول کتاب مقدس نگاه کنید. انسانیت در کجا زندگی می کنند؟

خوب ، در یک باغ عالی ، خانه خود در آنجا بود.

آنها به یک شرط در آنجا بودند: آنها بایستی به خدا اعتماد کنند و تنها فرمان او را حفظ کنند.

اما آنها این کار را انجام ندادند. و نتیجه آن این بود که آنها از باغ بیرون رانده شدند.

آه ، آنها در حال تبعید بودند. دقیقاً. و این داستان اینگونه ادامه شده اند.

تاریخ اسرائیل اینگونه ساخته است. به آنها سرزمین موعود داده بود ، جایی که تحت یک شرط مجاز به اقامت بودند: آنها بایستی شرط میثاق با خدا را نگاه کنند. و آنها آن را نکردند و به همین دلیل تبعید شدند. اگر موازی بین تبعید از باغ و تبعید اسرائیل را کاملاً نمی بینید ، به موارد زیر فکر کنید:

در پیدایش ، تبعید بشر منجر به داستان شهربابل بود. درست؟

اوه ، بله ... بابل. دقیقاً مکانی بود که اسرائیل به آنجا اعزام شدند.

اما این پایان داستان نیست. در همین شهر بابل اول ، خدا ابراهیم را صدا کرد ،

خدا فرمود که بایستی به سرزمین موعود برود. و این داستان اینگونه ساخته شده است

داستن ابراهیم و کشور موعود امید را به بنی اسرائیل داد.

سرانجام ، آنها نیز مجاز که به کشور موعود خودش بروند.

اما وقتی آنها در آنجا رسیدند خانه دیگر مثل قبل نبود. همه چیز عجیب و گمراه بود ...

امپراتوریهای ستمگر هنوز بر آنها حکومت می کردند

انسانها شبیه اجدادشان فاسدانه عمل کردند. و

پیامبران کتاب مقدس در حقیقت اعلام کردند که تبعید پایان نیافته بود.

چرا آنها حتی در خانه خود در تبعید بودند؟

اکنون این یک نکته بسیار مهم رسیدیم: در کتاب مقدس

تبعید بابلی تصویری برای چیزهای وسیع تر است. تبعید در مورد این احساس

بیگانگی است. و در مورد خواست انسان بود که بیشتر انتظار کردند

بله، به خوبی می توانم آن را تصور کنم. من یک خانه زیبا دارم، اما در دنیایی ما نفرین و ستمگر وجود دارند که از طریق کارهای غم انگیز احساس پناه را آسیب می کنند..

شرایط انسانی همیشه تکرار شده است. زندگی ما به یک بابل منتهی می شود و ما نمی توانیم از آن فرار کنیم. و مهم نیست که کجا زندگی می کنیم.

همه ما برای یک خانه بهتر تلاش می کنیم. عهد عتیق این امیدواری را به وجود آورد که روزی خداوند یک پادشاهی را خواهد فرستد تا جهان را از همه بابل هایی که ما ایجاد کرده ایم نجات دهد. بسیاری از نسل ها می آمدند و می رفتند. و سپس با یک اسرائیلی به نام عیسی ناصری ملاقات می کنیم. او در بین بی خانمان سرگردان بود و خبر تجدید بزرگ را اعلام کرد. خانه ای که اسرائیل و تمام بشریت به دنبال آن بودند تحقق بود. بله، عیسی به افرادی که خانه نداشتند جدی گرفت. او از غریبه استقبال کرد. و او گفت که عشق خدا روشن است هنگامی که شما افراد خارجی را دعوت می کنی و با مردمی که به هیچ کجا تعلق ندارند در اغوش بگیرد. عیسی همچنین ادعا کرد که اسرائیل و همه بشر از مسیر خدا دور شده اند. و خودخواهی ما منجر به تبعید و ستمگر بود. و بدین ترتیب ما به ناچار دیگران را کنار می گذاریم - ما در یک تبعید زندگی می کنیم که خود مان ساخته ایم. اما عیسی گفت که راه واقعی این است که از طریق ضعف، خدمت و بخشش به خانه برسیم. و عیسی در کنار ما به تبعید رفت،

تا به راه خانه واقعی برسیم

خوب، عیسی گفت که او راه واقعی است. زندگی و عشق فداکارانه او ثابت کرد چگونه به خدا برسیم. او راهی به خانه واقعی ما گشود. و پیروان او با تعهد به عیسی مسیح این راه واقعی را کشف کردند. آنها معتقد بودند که بازگشت واقعی از تبعید از قبل آغاز شده است. و بنابراین آنها خود را مهمان یا کوهنورد می نامیدند. و همینگون گفتند "جهان خانه واقعی ما نیست" و "ما ساکنان در بهشت داریم." و بنابراین پیروان عیسی حال منتظر می مانند

که یک روز عیسی باز خواهد گشت و این دنیا را به یک خانه واقعی تبدیل خواهد کرد.

بنابراین ما مسیحیان همه پناهنده هستیم و در دنیا به عنوان خارجی زندگی می کنیم. پاسپورت ما آلمانی، آمریکایی، ایرانی یا افغانی نیست. نه، پاسپورت واقعی ما تعهد ما است. زیرا در تعهد برای ما گفته و تایید شده است که ما فرزندان خدا هستیم و خانه ما در بهشت است. اگر در مجبور بودید فرار کنید و الاال باید خارج از کشور خودت زندگی کنید؟ اگر اینگونه است بتوانید بهتر درک کنید که خانه کنونی برای همیشه نیست. ما باید دوباره آن را رها کنیم. در واقع می توان در مورد همه چیزهایی که در جهان ما وجود دارد اینگونه ثابت کنیم. غذای ما، خانه های ما، کار ما، پول ما و غیره برای همیشه نیستند. اما خداوند با خرد بی نهایت چیزی به ما داده است که ما را در کشور خارجی با کشور آینده متصل می کند. اکنون سوال این است چیست؟ شام آخر است. برای درک شام آخر، ابتدا باید با عیسی مسیح شروع کنیم. عیسی درست قبل از مصلوب شدن وی شام آخر ایجاد کرد. در آن زمان بود که عیسی مأموریت خود را بر روی زمین به نقطه اصلی رسید. آن روز قبل از به صلیب کشیدن عیسی جشن مهم یهودیان بود که فصح نام برد. بنی اسرائیلی سالانه عید فصح را بر گذار می کردند. آن جشن این هدف داشت که یهودیان به فرار کردن از مصر یاد آوری می کرد

ما به یاد می آوریم که در آن زمان خداوند امر کرد که بنی اسرائیل باید بره را ذبح کنند و خون آن بره را بر روی درب بمالند. در همین روز خدا به آنها هشدار داد که فرشته مرگ خواهد آمد تا پسر مصریان را بکشد... اما خدا خواست یهودیان را نجات دهد به شرط این که آنها درب خودش با خون بره می مالند. هنگامی که فرشته مرگ آن خون را می دید از آنجا عبور کرد و پسر یهودیان اینگونه نجات را پیدا کرد. کلمه فصاح با زبان عبری به معنی عبور کردن است. وقتی همه چیز تمام شد، اسرائیلی از مصر مهاجرت کردند. آنها برای یادآوری به نجات خدا بایستی سالانه این عید فصح را جشن بگیرند. بره فصح معنای نماد عمیقی دارد. به مسیح اشاره می کرد. مسیح بره واقع عید پاک است. هر خانواده اسرائیلی مجبور بودند یک بره بی عیب و نقص در هر خانوار بگیرند و آن را ذبح کنند (خروج ۱۲). قرار بود خون بره بی گناه روی هر دو پایه درب و لنگه خانه ها بمالند. زیرا خداوند آن را فرموده کرد: "آنجا که خون را می بینم، از کنار تو عبور خواهم کرد." (خروج ۱۲، ۱۳)

هر خانواده ای که در سرزمین مصر زندگی می کرد، اعم از مصریان و اسرائیلیان ، در معرض خطر بودند. قضاوت خدا درباره سرزمین مصر قریب الوقوع بود. اما خداوند برای مردم خود راهی برای نجات از این خطر مرگ آماده کرد!

قضاوت خدا را می توان از خانواده به یک بره بی گناه منتقل کرد که برای آنها ذبح شده بود. همه انسان مصریان و یهودیان مجبور بودند به علت گناه خودشان بمیرند. اما آن عواقب نه به عضو خانواده رسید ، نه فرزند اول و نه پدر یا مادر - بلکه یک بره نر بود که عواقب گناه را تحمل کرد. گناهان و مرگ هر خانواده به بره منتقل شد و زندگی و بی گناهی بره به خانواده ها منتقل شد. این بره درگذشت - و خانواده ، از جمله پسر اول زاده ، زندگی می کرد!

هنگامی که فرشته مرگ از مصر عبور می کرد و زندگی خانواده های مصریان را نابود می کرد ، همیشه از خانه های اسرائیلی عبور می کرد بدون اینکه به آنها دست یابد ، چون بر روی درهای آن خون بره می دید. مرگ قبلاً در آنجا رخ داده بود! بنابراین او برای بار دوم اعتصاب نکرد ، خانواده ها در امنیت بودند!

فقط به بنی اسرائیل دستور داده شده بود که این کار را انجام دهند. دستور العمل های نجات دهنده زندگی از طریق موسی شنیده شده بود ، و آنها کلام خدا را رعیت می کردند - و زنده مانده بودند! مجازات بت پرستی و سایر گناهان آنها بر روی بره قرار گرفت. پس از آن اسرائیلیان سلانه عید فصح جشن می گرفتند. این یک نماد بود و نشان دهنده آخرین بره عید فصح بود که قرار است این عیسی است... 8. بنابراین پلس نوشت

پس اگر می خواهید خمیر تازه باشید (چنانکه هستید) باید خمیرمایه کهنه را تماماً از میان بردارید، زیرا مسیح که «قربانی عید فصح» ماست، ذبح شده است 8. بنابراین، عید فصح را نه با خمیرمایه ترش و کهنه که خمیرمایه بدخواهی و شرارت است، بلکه با نان فطیر که نان صمیمیت و صداقت است، نگاه داریم. (۱ قرننیا ۵ ، ۸.۷)

مرگ و ویرانی ما بر روی صلیب به او منتقل شد. زندگی و عدالت او با قیامش به ما منتقل شد. اگر ایمان داشته باشیم ، زندگی او در درون ماست. زندگی ای که ما داریم زندگی اوست و ما هرگز نخواهیم مرد! من با مسیح مصلوب شده ام به طوری که دیگر آنکه زندگی می کند من نیستم، بلکه مسیح است که در من زندگی می کند و در خصوص این زندگانی جسمانی ای که اکنون دارم، فقط به وسیله ایمان به پسر خدا که مرا محبت کرد و جان خود را به خاطر من داد، زندگی می کنم. (غلطیان ۲، ۲۰)

کمی قبل از مرگ بر روی صلیب عیسی به شاگردان خود نان داد و گفت: این بدن من است و همچنین جام را به همان روش می گیرد و می گوید: این خون من است. سپس تمام آنچه که عیسی انجام داد شخصاً از طریق شام آخر به ما می رسد. مرگ او بر روی صلیب شخصاً به ما می رسد. و چیز دیگری در اهمیت است: بره عید فصح ، که بنی اسرائیل در آن زمان ذبح کردند ، همچنین یک غذای جیره اضطراری برای سفر آنها بود. بنی اسرائیل در سفر خطرناک خود شان از طریق این غذا امرار معاش برای زندگی کردن در ایفت کردند . شام پروردگار ما برای ما دقیقاً همچنین امرار معاش به ما داده است. این غذایی است که در سفر خطرناک به ما مهم است تا ما بتوانیم در این دنیا ی خطرناک زنده بمانیم و می توانم در زمان بی خانه و در شرایط پناه نجات یابیم.. و همان غذا ما را از گناه ، مرگ و شیطان محافظت می کند.

موارد زیر مهم است:

این مهم است که ما بدانیم در مراسم شام آخر چه چیزی دریافت می کنیم

مارتین لوتر در صفحه ۱۲۶ در سوال ۵ موارد زیر را شرح می دهد:

5 ما در مراسم نان و شراب چه چیزی دریافت می کنیم؟

ما یک نان پر برکت را می خوریم که همان جسم مسیح است و همچنین ما یک شراب پربرکت را می نوشیم که همان خون مسیح است.

اول قرننیا ۱۰ ایه ۱۶ ایا مقصود از نوشیدن پیاله پر از برکت که خدا را برای آن سپاس می گوئیم، سهم شدن در خون مسیح نیست؟ و ایا وقتی نان را پاره کرده می خوریم، ایا مقصود ما سهم شدن در بدن مسیح نیست؟

و همچنین مهم است که بدانیم چه چیزی در شام آخر مفید است. در صفحه ۱۲۷ زیر، لوتر موارد زیر را نیز شرح می دهد:

این جسم برای شما داده شده و این خون برای شما ریخته شده، به منظور بخشش گناهان؛

این را می دانیم که در شام آخر، بخشش گناهان و حیات و سعادت از طریق همین کلام داده خواهد شد. پس هر جا که بخشش گناهان است، همان جا حیات و سعادت نیز می باشد.

عیسی مسیح ما را در شرایط بدی ما دعوت می کند. عیسی خودش میزبان ما است. مسیح اغلب می خواهد ما را بر سر سفره خود استقبال کند تا با ما جشن بگیرد، ما را ببخشد و به ما زندگی و ابدیت دهد. ما از عهد جدید می آموزیم که کلیسای اولیه هر یکشنبه مراسم شام آخر را جشن می گرفتند:

در شب یکشنبه وقتی ما برای پاره کردن و خوردن نان دور هم جمع شدیم، پولس به علت آنکه روز بعد عازم سفر بود، به تفصیل برای آنان صحبت کرد و تا نصف شب به سخنان خود ادامه داد (اعمال ۲۰، ۷). بنابراین کلیسای اولیه هر یکشنبه مراسم را با خطبه ها و مراسم مقدس برگزار می کرد.

ما در مراسم نان و شراب چه چیزی دریافت می کنیم؟

این جسم برای شما داده شده و این خون برای شما ریخته شده، به منظور بخشش گناهان؛